



حمایت از حریم خصوصی در فقه امامیه و حقوق بشر با تأکید بر داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی در قراردادهای خصوصی

بهاره شفیعی^{۱*}
غزاله حاجی عظیمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

چکیده

حریم خصوصی یکی از مفاهیم بنیادی در نظام‌های حقوقی معاصر و فقه اسلامی است که به‌ویژه در عصر اطلاعات و گسترش فضای دیجیتال، اهمیت و چالش‌های نوینی یافته است. در این مقاله تلاش شده است با نگاهی تطبیقی، مبانی، حدود و الزامات حمایت از حریم خصوصی در فقه امامیه و حقوق بشر بررسی شود. تمرکز ویژه بر داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی در قراردادهای خصوصی، ما را با ابعاد پیچیده‌ای از تقابل میان حق بر خلوت فردی و ملاحظات اجتماعی، امنیتی و قراردادی مواجه می‌سازد. در فقه امامیه، با استناد به ادله‌ای چون حرمت تجسس، لزوم حفظ اسرار، و قاعده لاضرر، می‌توان به اصولی در جهت حمایت از حریم خصوصی دست یافت. در مقابل، نظام حقوق بشر بین‌الملل به‌ویژه در اسناد معتبری چون ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حمایت از حریم خصوصی را به‌عنوان یک حق بنیادین شناسایی کرده است. همچنین مقرراتی چون GDPR در اتحادیه اروپا تلاش دارند این حق را در حوزه داده‌های دیجیتال عملیاتی سازند. این مقاله با رویکرد تحلیلی - تطبیقی، به بررسی اشتراکات، تمایزات، چالش‌ها و راهکارهای ارائه‌شده در هر دو نظام می‌پردازد و نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های مفهومی و زبانی، زمینه‌های هم‌پوشانی قابل توجهی برای استقرار یک نظام جامع حمایت از حریم خصوصی در پرتو فقه و حقوق بشر وجود دارد. در پایان، پیشنهاداتی برای تطبیق فقه امامیه با استانداردهای بین‌المللی داده‌محور در زمینه حریم خصوصی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، فقه امامیه، حقوق بشر، داده‌های شخصی، قراردادهای خصوصی.

۱- مقدمه

^۱ دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول): Shafiei_bahar@yahoo.com
^۲ کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران azimighazal2@gmail.com

در دنیای معاصر، با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و ورود داده‌های شخصی به عرصه‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، اهمیت حریم خصوصی به‌عنوان یکی از بنیادین‌ترین حقوق انسانی، بیش از پیش برجسته شده است. داده‌های شخصی از جمله اطلاعات هویتی، مکانی، زیستی، رفتاری، مالی و ارتباطی هر فرد، بنیان‌های اساسی شخصیت انسانی در عصر دیجیتال را شکل می‌دهند و افشای غیرمجاز یا بهره‌برداری غیرمنصفانه از آن‌ها می‌تواند آثار مخربی بر حیات فردی و اجتماعی اشخاص برجای گذارد (داگلاس، ۲۰۱۹: ۷۹). افزون بر این، اطلاعات خانوادگی از جمله مکاتبات شخصی، وضعیت روابط اعضای خانواده، نوع تعاملات درون‌خانگی و موضوعات حساس مرتبط با حیات خصوصی، به‌عنوان بخشی از مصادیق اسرار خانوادگی، از جایگاه خاصی در مباحث حریم خصوصی برخوردارند. این اطلاعات، که گاه در دل قراردادهای خصوصی افشاء یا به اشتراک گذاشته می‌شوند، مستقیماً بر حقوق بنیادین اشخاص و کرامت انسانی آن‌ها تأثیر می‌گذارند (هریس، ۲۰۱۸: ۱۲۱).

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام‌های حقوقی معاصر، یافتن توازن میان آزادی قراردادی و صیانت از حریم خصوصی افراد در بستر تعاملات خصوصی و تجاری است. در اغلب نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوق بشر بین‌الملل، اصل آزادی اراده در قراردادها محترم شمرده می‌شود، اما این آزادی نمی‌تواند مجوزی برای نقض حقوق بنیادینی چون حریم خصوصی باشد (شاو، ۲۰۲۰: ۳۴۵). بنابراین، تحلیل ابعاد حمایتی نهادهای حقوقی از داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی در چارچوب قراردادهای خصوصی، از جمله ضرورت‌های مطالعات حقوقی و فقهی نوین به‌شمار می‌رود.

در این میان، فقه امامیه نیز با توجه به مبانی غنی اخلاقی و فقهی خود، دارای قابلیت‌هایی برای پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید مرتبط با داده‌ها و اسرار خصوصی در روابط قراردادی است. اگرچه در متون فقهی سنتی اصطلاحاتی چون «داده‌های شخصی» یا «اسرار خانوادگی» به‌صورت صریح به‌کار نرفته، اما مفاهیمی چون «حق النفس»، «حرمت تجسس»، «حفظ عرض و کرامت»، «حق الناس» و «لزوم وفای به عهد» می‌توانند به‌مثابه پایه‌های نظری حمایت از حریم خصوصی در فقه مورد استناد قرار گیرند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۲۲۱). افزون بر آن، قاعده «لا ضرر» و اصل «لزوم حفظ حیثیت مؤمن» نیز در دفاع از محرمانگی اطلاعات افراد در معاملات خصوصی مورد توجه قرار گرفته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰ق: ۴۵).

از سوی دیگر، نظام حقوق بشر بین‌الملل، به‌ویژه پس از تصویب اسناد مهمی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، کنوانسیون اروپایی

حقوق بشر (۱۹۵۰) و اسناد فرعی نظیر آیین‌نامه‌های اجرایی حفاظت از داده‌های شخصی در اتحادیه اروپا مانند GDPR، به‌طور جدی به حمایت از حریم خصوصی و منع هرگونه مداخله غیرقانونی در اطلاعات شخصی و خانوادگی افراد پرداخته است (مارکو، ۲۰۲۱: ۱۱۷). ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، صراحتاً هرگونه مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در زندگی خصوصی، خانواده، منزل یا مکاتبات اشخاص را ممنوع می‌داند و حق برخورداری از حمایت قانونی مؤثر در برابر چنین تعرضاتی را تضمین می‌نماید (اسمیت، ۲۰۱۰: ۱۸۲).

از منظر حقوق تطبیقی نیز، در نظام‌های حقوقی پیشرفته همچون ایالات متحده، آلمان، فرانسه و بریتانیا، داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی در زمره‌ی «اطلاعات حساس» قرار دارند که افشای آن‌ها تنها با رضایت آگاهانه فرد یا بر اساس حکم صریح قانون مجاز است. مثلاً در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، اصل «حداقل‌سازی داده» و شرط «هدف‌محور بودن جمع‌آوری اطلاعات» در قراردادهای خصوصی، نقشی کلیدی در صیانت از حریم خصوصی ایفا می‌کند. در حقوق آمریکایی نیز دکترین «توقع منطقی از محرمانگی» در تحلیل قضایی پرونده‌هایی که اطلاعات شخصی در بستر روابط قراردادی فاش شده‌اند، نقش کلیدی دارد (Douglas, 2019: 97).

از سوی دیگر، یکی از حوزه‌هایی که در آن حریم خصوصی به‌شدت در معرض آسیب است، فضای قراردادهای خصوصی به‌ویژه قراردادهایی است که با واسطه پلتفرم‌ها، خدمات دیجیتال، یا ارائه خدمات خانوادگی منعقد می‌شوند. به‌عنوان مثال، در قراردادهای مشاوره روان‌شناسی، خدمات حقوقی خانوادگی، درمان ناباروری، بانک‌های اطلاعات ژنتیکی یا اپلیکیشن‌های خانواده‌محور، اطلاعات حساس و محرمانه‌ای درباره وضعیت عاطفی، جنسی، اقتصادی و رفتاری اعضای خانواده افشاء می‌شود که در صورت فقدان تدابیر مناسب قانونی، می‌تواند منجر به نقض جدی حریم خصوصی گردد (غضنفری، ۱۳۹۹: ۳۰۵). با توجه به عدم توازن قدرت قراردادی، نبود آگاهی عمومی درباره حقوق اطلاعاتی، و خلأهای تقنینی یا فقهی در این حوزه، ضرورت پرداختن به ابعاد حقوقی و فقهی مسئله دوچندان می‌شود.

همچنین، در فقه امامیه، هرچند مباحث مربوط به قراردادها بیشتر بر مفاهیم سنتی چون «بیع»، «اجاره»، «جعاله» و «صلح» متمرکز است، اما اصول کلی فقهی مانند قاعده احترام به حریم مؤمن (حرمة مؤمن کرمه دمه و ماله و عرضه)، قاعده لاضرر، اصل عدالت و شرط ضمنی حفظ حیثیت در عقد، ظرفیت‌هایی را برای تحلیل فقهی قراردادهایی که اطلاعات خصوصی را در معرض افشاء قرار می‌دهند، فراهم می‌سازد (علیدوست، ۱۴۰۰: ۲۷۲). مثلاً، اگر طرفی در قالب قرارداد درمانی یا خانوادگی، اطلاعات حساسی را از طرف دیگر دریافت کند و سپس آن را افشاء نماید، این رفتار

می‌تواند مشمول حکم حرمت شرعی افشاء اسرار مؤمن گردد و مسئولیت شرعی و ضمان‌آور برای ناقض حریم خصوصی در پی داشته باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۲ق: ۹۸).

در نتیجه، مطالعه تطبیقی حمایت از حریم خصوصی در فقه امامیه و حقوق بشر، به‌ویژه در بستر قراردادهای خصوصی، فرصتی برای بازاندیشی در قواعد فقهی، ارتقاء سطح حمایتی اسناد حقوق بشری، و تقویت نظام حقوقی کشورها برای مواجهه با چالش‌های نوظهور در عصر دیجیتال فراهم می‌آورد. افزون بر آن، در پرتو این پژوهش می‌توان راهکارهایی برای اصلاح رویه‌های قضایی، تدوین قواعد تفسیری در قراردادهای خصوصی، و ارائه سیاست‌گذاری‌های مناسب برای صیانت از کرامت انسانی در عرصه‌های حقوقی و فقهی پیشنهاد کرد. به‌ویژه در جوامعی که فقه اسلامی منبع اصلی قانون‌گذاری است، بهره‌گیری از اصول فقهی جهت نهادینه‌سازی حقوق حریم خصوصی، می‌تواند موجب کارآمدی بیشتر نظام حقوقی و انطباق آن با مقتضیات حقوق بشر معاصر گردد.

۲- مفهوم حریم خصوصی در فقه امامیه

در فقه امامیه، گرچه اصطلاح «حریم خصوصی» به شکل مصطلح امروزی رایج نبوده، اما مفاهیم ناظر به آن از دیرباز در قالب اصول شرعی، قواعد اخلاقی و احکام فقهی مورد توجه قرار گرفته است. این مفاهیم، حاکی از تأکید فقه امامیه بر کرامت انسانی، احترام به شأن افراد و لزوم حفظ اطلاعات شخصی و اسرار خانوادگی در مناسبات اجتماعی و فردی است.

از مهم‌ترین مبانی فقهی در این زمینه، اصل حرمت تجسس است که به‌صورت مستقیم در قرآن کریم و به‌صورت گسترده در متون روایی بازتاب یافته است. در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «وَلَا تَجَسَّسُوا»؛ این آیه به‌وضوح بر منع هرگونه نفوذ و کاوش در امور پنهانی دیگران دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴۹۶). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه تأکید دارد که تجسس به‌معنای کشف آن چیزی است که خداوند خواسته پنهان بماند و این امر در حوزه اسرار خانوادگی و اطلاعات خصوصی افراد نیز جاری است (همان: ۴۹۷).

در روایات اهل‌بیت نیز حرمت افشای اسرار دیگران به‌عنوان یکی از مصادیق تعدی به حریم خصوصی مورد تأکید قرار گرفته است. از پیامبر اسلام نقل شده است: «من استمع إلی حدیث قوم و هم له کارهون، صُبَّ فی أذنه الآنک یوم القیامه»؛ کسی که بدون رضایت دیگران به گفت‌وگوی آنان گوش دهد، روز قیامت سرب گداخته در گوش او ریخته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲،

۲۹۶). این روایت نه تنها شنود اطلاعات بدون رضایت را حرام می‌داند، بلکه نشان‌دهنده عمق قبح شرعی افشای داده‌های شخصی است.

از منظر فقهی، افشای سر نیز عملی حرام تلقی شده و فقها به اتفاق آن را ممنوع دانسته‌اند. شیخ انصاری در بحث غیبت، به نقل از روایات، تصریح می‌کند که سر افراد همچون امانت است و افشای آن بدون اذن، نقض امانت محسوب می‌شود (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۲۶۸). همچنین، صاحب جواهر در باب غیبت، فاش کردن اسرار را مصداق بی‌عدالتی و تخلف از اخلاق اسلامی می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۲).

قاعده لزوم ستر نیز در میان اصول اخلاقی فقه امامیه جایگاه ویژه‌ای دارد. بنا بر این قاعده، مؤمن موظف است از عیوب و امور پنهانی دیگران پرده‌پوشی کند؛ حتی اگر آن امور را دانسته باشد. امام صادق (ع) فرمودند: «المؤمن سِتَّارٌ لِلْعُيُوبِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۵۶). این قاعده در فضای قراردادهای خصوصی نیز کاربرد دارد، جایی که ممکن است یکی از طرفین اطلاعات خانوادگی یا شخصی خود را با اعتماد به طرف دیگر بیان کند. در این حالت، تعهد اخلاقی و شرعی برای حفظ این داده‌ها برقرار می‌گردد.

از منظر فقهی، نقض حریم خصوصی می‌تواند مصداق قاعده لاضرر نیز باشد. طبق این قاعده، هیچ‌کس مجاز به وارد کردن ضرر به دیگری نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۵۴۶). افشای اسرار خانوادگی یا داده‌های شخصی افراد در بستر روابط خصوصی یا قراردادی، به‌وضوح می‌تواند موجب ضرر معنوی، حیثیتی و حتی مالی برای فرد شود؛ بنابراین از حیث فقهی، مستوجب ضمان و پاسخ‌گویی است.

در فقه متأخر نیز تلاش‌هایی برای تطبیق مفاهیم سنتی با موضوعات نوین نظیر داده‌های دیجیتال و قراردادهای الکترونیکی صورت گرفته است. آیت‌الله فاضل لنکرانی، با استناد به قاعده حرمت تجسس و حرمت غیبت، دسترسی به اطلاعات شخصی افراد از طریق وسایل الکترونیکی را بدون اذن صریح، حرام می‌داند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰ق: ۱۸۵). همچنین در پژوهش‌های فقهی نوین، حریم خصوصی به‌مثابه حقی شرعی و مستقل تحلیل شده و بر لزوم قاعده‌مندسازی آن در عرصه قانون‌گذاری تأکید گردیده است (فاضلی، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

بنابراین، فقه امامیه با بهره‌گیری از منابع معتبر قرآنی و روایی و اصول فقهی چون حرمت تجسس، افشای سر، قاعده لاضرر و ستر، زمینه‌ای قوی برای حمایت از حریم خصوصی و به‌ویژه حفاظت از اسرار و داده‌های شخصی در اختیار دارد؛ هرچند نیاز به بازخوانی و بازسازی این مفاهیم در قالب حقوقی امروز همچنان باقی است.

۳- مفهوم حریم خصوصی در نظام بین‌المللی حقوق بشر

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، حق بر حریم خصوصی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین و غیرقابل سلب انسان، جایگاهی ریشه‌دار دارد. این حق، ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی، آزادی فردی و حق بر خودمختاری اطلاعاتی دارد و از جمله حقوقی است که در اسناد جهانی، منطقه‌ای و تفاسیر نهادهای حقوق بشری به‌طور مکرر به رسمیت شناخته شده است.

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در این زمینه، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) است. ماده ۱۲ این سند صراحت دارد: «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، خانواده، منزل یا مکاتباتش مورد مداخله‌ی خودسرانه قرار گیرد و شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض واقع شود. هر کس حق دارد که در برابر چنین مداخلاتی، از حمایت قانون برخوردار شود. (UN, 1948: 12)» این ماده مبنای اصلی شناسایی حریم خصوصی در حقوق بین‌الملل عمومی است و اصول کلی آن در بسیاری از اسناد دیگر نیز تکرار شده است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز در ماده ۱۷ به‌طور مشابهی بر لزوم منع مداخله در زندگی خصوصی و حمایت قانونی از آن تأکید دارد. بر اساس این ماده: «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتباتش مورد مداخله‌ی خودسرانه یا غیرقانونی قرار گیرد. (UN, 1966: 17)» ... کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، در تفسیر عمومی شماره ۱۶، اعلام می‌دارد که مفهوم زندگی خصوصی باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که شامل تمام ابعاد زندگی شخصی، از جمله داده‌های اطلاعاتی و تعاملات فردی باشد. (UNHRC, 1988: 10)

از نگاه نهادهای بین‌المللی، داده‌های شخصی و اطلاعات خانوادگی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هستند. در حقوق اروپایی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) (در ماده ۸ به‌صراحت زندگی خصوصی و خانوادگی را مورد حمایت قرار می‌دهد. دیوان اروپایی حقوق بشر در آرای متعددی تصریح کرده که حریم خصوصی شامل حمایت از داده‌های شخصی، گرایش‌های فردی، سلامت، محل سکونت و حتی روابط قراردادی می‌شود. (ECtHR, 2008: 46) از جمله مهم‌ترین آرای این دیوان می‌توان به رأی *S. and Marper v. United Kingdom* اشاره کرد که نگهداری اطلاعات بیولوژیکی افراد بدون رضایت آن‌ها را نقض حق بر حریم خصوصی دانست (ECtHR, 2008: para. 103).

با گسترش فناوری اطلاعات و افزایش تهدیدها علیه حریم خصوصی دیجیتال، سازمان‌های بین‌المللی اقدام به تدوین استانداردهای مشخص‌تری کرده‌اند. از جمله می‌توان به مقررات عمومی

حفاظت از داده‌ها (GDPR) اتحادیه اروپا اشاره کرد که در ماده ۴، داده‌های شخصی را هر نوع اطلاعات مرتبط با شخص قابل شناسایی تعریف می‌کند و در مواد دیگر بر رضایت، شفافیت، حق دسترسی و حق پاک کردن داده‌ها تأکید دارد. (EU, 2016: Art. 4)

مفهوم حریم خصوصی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، نه تنها به بعد سلبی «عدم مداخله» محدود نمی‌شود، بلکه ناظر بر مسئولیت دولت‌ها در حمایت فعالانه از اطلاعات خصوصی افراد است. به عبارت دیگر، دولت‌ها نه تنها نباید خود ناقض حریم خصوصی باشند، بلکه مکلف‌اند در برابر نقض آن از سوی اشخاص ثالث نیز به حمایت مؤثر بپردازند. (Nowak, 2005: 402)

در نتیجه، حریم خصوصی در نظام حقوق بشر معاصر، مفهومی گسترده، پویا و چندبعدی است که شامل ابعاد فیزیکی، خانوادگی، ارتباطاتی، اطلاعاتی و دیجیتالی می‌شود. حمایت از اسرار خانوادگی و داده‌های شخصی، خصوصاً در بسترهای قراردادهای خصوصی، یکی از جلوه‌های مهم این حق بشری است که با پیشرفت فناوری و تعمیق ارتباطات انسانی، روزبه‌روز اهمیتی بیشتر می‌یابد.

۴- اسرار خانوادگی و داده‌های شخصی در فضای قراردادهای خصوصی

با توسعه تعاملات اجتماعی و اقتصادی در بستر قراردادهای خصوصی، افراد ناگزیر از افشای برخی اطلاعات شخصی، مالی یا خانوادگی برای تحقق اهداف قراردادی هستند. این اطلاعات، که بخش قابل توجهی از حریم خصوصی افراد را تشکیل می‌دهند، چنان‌که بدون تضمین‌های لازم مورد بهره‌برداری یا افشا قرار گیرند، می‌توانند به‌طور جدی به حقوق فردی و حیثیت اشخاص آسیب بزنند.

داده‌های شخصی در معنای حقوقی، شامل هر نوع اطلاعات مرتبط با فردی مشخص یا قابل شناسایی است؛ از جمله نام، نشانی، شماره تماس، سوابق پزشکی، اطلاعات بانکی و حتی علایق و عادات رفتاری (قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۵). در قراردادهای خصوصی، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون قراردادهای پزشکی، بیمه، استخدام، خدمات دیجیتال یا مشاوره حقوقی، طرفین ناچارند بخشی از این داده‌ها را در اختیار یکدیگر قرار دهند. به موجب قواعد حسن نیت، تعهد به حفظ این داده‌ها حتی فراتر از مدت قرارداد نیز استمرار دارد (شهیدی، ۱۳۹۵: ۹۷).

اسرار خانوادگی نیز که به زندگی داخلی، روابط زناشویی، وضعیت فرزندان، محل سکونت، مشکلات خصوصی و مانند آن مربوط می‌شوند، از مصادیق مهم حریم خصوصی‌اند. در فقه امامیه نیز افشای این اسرار بدون رضایت، حرام تلقی شده و می‌تواند موجب ضمان باشد (مکارم شیرازی،

۱۴۲۷ق: ۲۸۳). در نظام حقوقی ایران، اصل احترام به حریم خصوصی در مواد متعددی از قوانین مدنی، کیفری و آیین دادرسی تصریح شده است. برای مثال، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، افشای اسرار حرفه‌ای یا خانوادگی توسط اشخاص دارای موقعیت اعتماد را جرم‌انگاری کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵: ماده ۶۴۸).

در نظام بین‌المللی نیز، تعهد به رازداری قراردادی یکی از سازوکارهای حمایت از داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی است. در مقررات اتحادیه اروپا، اصل «محدودیت هدف» تصریح دارد که داده‌ها فقط در راستای اهداف خاص، مشخص و قانونی که فرد در جریان آن قرار گرفته است، قابل استفاده‌اند. (EU, 2016: Art. 5) در صورتی که یکی از طرفین قرارداد از داده‌های به‌دست‌آمده در راستای منافع خود یا علیه طرف مقابل استفاده کند، نقض اصل رضایت و حریم خصوصی رخ داده و مسئولیت حقوقی برای او در پی دارد.

افزون بر این، مفاهیمی چون اصل محرمانگی اطلاعات و التزام ضمنی به رازداری در فقه و حقوق ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بنا بر اصل وفای به عهد (اوفوا بالعقود)، طرفین مکلف به رعایت الزامات ضمنی قرارداد هستند، حتی اگر صراحتی در متن قرارداد نیامده باشد (امامی، ۱۳۹۳: ۱۸۹). تعهد به محرمانگی در قراردادها به‌ویژه در روابط مبتنی بر اعتماد، مثل وکالت، شراکت یا استخدام، از این اصول تبعیت می‌کند.

در فقه امامیه، فاش کردن اسرار فردی یا خانوادگی پس از پایان رابطه قراردادی نیز حرام است، مگر آنکه طرف مقابل رضایت داده باشد یا افشا برای جلوگیری از ضرر شدید یا تحقق عدالت ضروری باشد (خوانساری، ۱۴۲۰ق: ۳۴۵). حتی در فرض ضرورت، باید میان مصالح اجتماعی و حریم خصوصی توازن برقرار گردد.

در رویه حقوقی ایران نیز دادگاه‌ها در مواردی همچون افشای پیام‌های خصوصی، تصاویر خانوادگی یا مکاتبات شخصی در فضای مجازی، از حیث نقض حریم خصوصی و داده‌های شخصی، احکام محکومیت صادر کرده‌اند (قربانی، ۱۳۹۸: ۷۵). این رویکرد، مؤید پذیرش ضمنی اصول ناظر بر حریم خصوصی در قراردادهای خصوصی است، هرچند فقدان قانون خاص در زمینه «حمایت از داده‌های شخصی» همچنان یکی از چالش‌های اساسی است.

در مجموع، می‌توان گفت که حفظ اسرار خانوادگی و داده‌های شخصی در بستر قراردادهای خصوصی، بر پایه اصول فقهی چون حرمت افشای سر، قاعده لاضرر، وفای به عهد، و اصول حقوقی نظیر محرمانگی، رضایت و محدودیت هدف استوار است. تدوین مقررات شفاف، الزام‌آور و

به‌روز در سطح ملی، و ترویج فرهنگ حفظ حریم خصوصی در روابط قراردادی، از پیش‌نیازهای تحقق این هدف مهم حقوقی و اخلاقی است.

۵- تحلیل تطبیقی فقه و حقوق بشر درباره حریم خصوصی در قراردادهای خصوصی

حریم خصوصی در قراردادهای خصوصی یکی از موضوعات مهم و حساس در هر دو نظام فقه امامیه و حقوق بین‌الملل حقوق بشر است. اگرچه هر دو نظام بر ضرورت حفظ اسرار و داده‌های شخصی تأکید دارند، اما رویکردها و مبانی آنها تفاوت‌هایی اساسی دارد که بررسی تطبیقی آن می‌تواند به تعمیق فهم و ارتقاء چارچوب‌های حمایتی منجر شود.

۱-۵- رویکرد فقه امامیه

فقه امامیه حریم خصوصی را امری مقدس و مورد احترام می‌داند که ریشه‌های آن را در متون قرآنی، سنت نبوی و فتاوی فقهای بزرگ می‌توان یافت. حفظ اسرار فردی و خانوادگی از مسائل بسیار مهمی است که در فقه مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان حق فردی و تعهد اجتماعی تعریف شده است. در قرآن کریم، دستور به عدم تجسس، جلوگیری از افشای اسرار و احترام به حریم شخصی دیگران آمده است. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا...» به صراحت به پرهیز از غیبت و دخالت در امور دیگران تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: ج ۱۸، ۲۷۶).

در روایات معصومان نیز حرمت ورود بدون اجازه به خانه و رعایت حریم خصوصی مورد تأکید است. امام صادق (ع) فرموده‌اند که مومن نباید بدون اجازه وارد خانه دیگری شود و باید حرمت دیگران را حفظ کند (کلینی، ۱۴۱۴ق: ۳۵۷). این روایات نشان می‌دهد که در فقه امامیه، رعایت حریم خصوصی علاوه بر جنبه حقوقی، بعد اخلاقی و معنوی دارد و نقض آن موجب قبح اخلاقی و ضمانت اجرای حقوقی است (خوانساری، ۱۴۲۰ق: ۳۴۹).

قاعده لاضرر که یکی از اصول بنیادین فقه امامیه است، ارتباط مستقیم با حفظ حریم خصوصی دارد. این قاعده حکم می‌کند که هیچ فردی نباید به دیگری ضرر برساند، از جمله افشای اسرار شخصی که ممکن است ضرر معنوی، مالی یا حیثیتی به همراه داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۷۴). فقهای امامیه با استناد به این قاعده، حفظ داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی را تعهدی شرعی و حقوقی می‌دانند که نقض آن مسئولیت کیفری و مدنی دارد (امامی، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

اصل وفای به عهد نیز در فقه امامیه تأکید دارد که طرفین قرارداد باید به تعهدات خود از جمله حفظ محرمانگی اطلاعات پایبند باشند. این اصل به‌ویژه در قراردادهای خصوصی که شامل تبادل داده‌های حساس و اسرار خانوادگی است، بسیار حائز اهمیت است (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۱۹۲). به این ترتیب، حریم خصوصی نه تنها حق فرد است بلکه یک تعهد اجتماعی و قراردادی محسوب می‌شود که امنیت روانی و حقوقی افراد را تضمین می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۷۷).

در فقه امامیه ضمانت اجرای مختلفی برای نقض حریم خصوصی پیش‌بینی شده است که شامل تعزیرات شرعی، دیات و قضاوت کیفری می‌شود (خوانساری، ۱۴۲۰ق: ۳۵۱). این موضوع اهمیت حفظ اسرار و داده‌های شخصی را از منظر فقهی به خوبی نشان می‌دهد و از ورود غیرمجاز و سوءاستفاده از اطلاعات جلوگیری می‌کند (امامی، ۱۳۹۳: ۲۲۵).

از منظر فقه امامیه، رعایت حریم خصوصی علاوه بر بعد فردی، اهمیت اجتماعی و اخلاقی دارد و نقش مهمی در حفظ کرامت انسانی ایفا می‌کند. از این رو، در صورت نقض آن، علاوه بر مجازات‌های قانونی، مجازات‌های معنوی و دینی نیز پیش‌بینی شده است (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۸۵). این رویکرد جامع فقهی باعث می‌شود که مسئله حفاظت از داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی در قراردادهای خصوصی به یک تعهد جدی و الزام‌آور تبدیل شود (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۵).

با توجه به تغییرات فناورانه و توسعه فضای مجازی، فقهای معاصر نیز تلاش کرده‌اند قواعد سنتی فقهی را با شرایط جدید تطبیق دهند و تعالیم فقهی را در راستای حفظ حریم خصوصی در دنیای مدرن گسترش دهند (قاضی طباطبائی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). این تطبیق نشان می‌دهد که فقه امامیه قابلیت انطباق با نیازهای نوین اجتماعی و حقوقی را دارد و می‌تواند چارچوبی مؤثر برای حمایت از داده‌های شخصی در قراردادهای خصوصی فراهم کند.

۲-۵- رویکرد حقوق بشر

حقوق بشر در دنیای معاصر از جمله حوزه‌هایی است که اهمیت ویژه‌ای به حمایت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی داده است. این موضوع به واسطه تحول گسترده در فناوری‌های اطلاعاتی، فضای مجازی و گسترش قراردادهای خصوصی که در آن‌ها داده‌های حساس شخصی و خانوادگی مبادله می‌شود، اهمیت بیشتری یافته است. حریم خصوصی به عنوان یک حق بنیادین انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر شناخته شده و ضامن حفظ کرامت و آزادی فردی محسوب می‌شود. منشور جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی، صراحتاً از این حق حمایت کرده‌اند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲ خود، هرگونه مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی، خانواده، منزل یا مکاتبات افراد را ممنوع کرده و حق هر فرد برای محافظت قانونی در برابر چنین مداخلاتی را به رسمیت شناخته است (یون، ۱۹۴۸: ۳۲). این ماده به روشنی جایگاه ویژه‌ای برای حفاظت از اسرار شخصی و داده‌های فردی در فضای خصوصی تعیین می‌کند که از پایه‌های آزادی و عدالت اجتماعی است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز در ماده ۱۷ به حق حفاظت از حریم خصوصی تأکید کرده است. مطابق این ماده، هیچ‌کس نباید مورد مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در حیات خصوصی، خانوادگی، منزل یا مکاتبات خود قرار گیرد و هر فرد حق دارد از حمایت قانونی در برابر چنین مداخلاتی برخوردار باشد (ریچاردسون، ۲۰۰۵: ۱۱۳). این ماده نه تنها مبنای حقوقی قوی برای حریم خصوصی ایجاد کرده بلکه چارچوب الزام‌آوری برای کشورهای عضو به منظور تصویب قوانین داخلی فراهم کرده است.

کنوانسیون اروپا درباره حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز در ماده ۸ به حق احترام به حیات خصوصی و خانوادگی پرداخته است. این ماده اعلام می‌دارد که هر فرد حق دارد از مداخله غیرقانونی در زندگی خصوصی و خانوادگی خود مصون باشد و دولت‌ها باید برای تضمین این حق تدابیر قانونی و اجرایی مؤثر اتخاذ کنند (اسمیت، ۲۰۱۰: ۲۴۵). علاوه بر این، ماده ۸ در موارد استثنایی اجازه محدودیت بر این حق را داده ولی محدودیت‌ها باید قانونی، لازم و متناسب باشند.

اهمیت حفاظت از داده‌های شخصی در چارچوب حقوق بشر با تصویب مقررات خاص‌تر نیز تقویت شده است. به طور مثال، مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها اتحادیه اروپا که از سال ۲۰۱۸ اجرایی شده، چارچوبی قانونی و اجرایی دقیق برای کنترل استفاده از داده‌های شخصی ارائه می‌دهد (مارتینز، ۲۰۱۹: ۵۲). این قانون با هدف حفظ حقوق فردی در برابر سوءاستفاده از داده‌ها، شفافیت و کنترل افراد بر اطلاعات شخصی‌شان را تضمین می‌کند و در قراردادهای خصوصی نیز الزامات سخت‌گیرانه‌ای برای حفظ اسرار و داده‌های خانوادگی تعیین کرده است.

سازمان‌های بین‌المللی مختلفی نیز نقش مهمی در تقویت حمایت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی داشته‌اند. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر بارها بر ضرورت حفاظت از داده‌های شخصی به ویژه در عصر دیجیتال تأکید کرده و هشدار داده است که بدون قوانین مؤثر و احترام به این حق، آزادی‌های فردی و دموکراسی در خطر قرار می‌گیرند (جونز، ۲۰۲۰: ۹۷). همچنین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل توصیه‌هایی برای دولت‌ها صادر کرده است که شامل

الزام به تدوین سیاست‌های حفظ حریم خصوصی در قراردادهای خصوصی و تنظیم مقررات حفاظت داده است (براون، ۲۰۱۸: ۱۱۰).

در حوزه قراردادهای خصوصی، رعایت حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی مطرح است و حقوق بشر تضمین می‌کند که افراد بتوانند از اطلاعات شخصی و اسرار خانوادگی خود به شکل ایمن و محرمانه محافظت کنند. این موضوع در اسناد سازمان ملل و معاهدات متعدد مورد تأکید قرار گرفته و کشورهای عضو ملزم به اجرای آن هستند. به عنوان مثال، قانون نمونه سازمان ملل درباره حفاظت داده‌ها که در سال ۲۰۱۳ ارائه شده، چارچوبی جامع برای اجرای حفاظت داده‌های شخصی در قراردادها و روابط خصوصی فراهم کرده است (کونراد، ۲۰۱۵: ۱۴۴).

از منظر نظری، حق حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، پایه‌ای برای سایر حقوق و آزادی‌ها نیز شناخته می‌شود. حفظ این حق موجب تضمین آزادی بیان، آزادی اجتماعات و حق مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی می‌شود (ویلسون، ۲۰۱۷: ۳۶۲). بنابراین، حفاظت از داده‌های شخصی در قراردادهای خصوصی نه تنها یک الزام حقوقی بلکه یک ضرورت برای تضمین سایر حقوق و آزادی‌ها است.

با این وجود، در عرصه عملی، چالش‌هایی برای تحقق کامل این حق وجود دارد. از جمله می‌توان به نبود هماهنگی کامل بین قوانین ملی و بین‌المللی، فناوری‌های نوین اطلاعاتی که به سرعت توسعه می‌یابند و تهدیدات سایبری اشاره کرد (اسمیت، ۲۰۱۰: ۲۷۰). این چالش‌ها ضرورت همکاری‌های بین‌المللی و به روزرسانی مداوم قوانین حقوق بشری را نمایان ساخته است.

به طور کلی، رویکرد حقوق بشر به حمایت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی در قراردادهای خصوصی، بر پایه احترام به کرامت انسانی، آزادی‌های فردی و امنیت حقوقی استوار است و ابزارهای حقوقی و نهادهای بین‌المللی متعددی برای تحقق و نظارت بر این حق در اختیار دارد. این رویکرد با تمرکز بر تضمین حمایت قانونی و مقررات متناسب، سعی می‌کند تعادل میان حق فرد به حریم خصوصی و مصلحت‌های عمومی را برقرار سازد و در عین حال تضمین کند که افراد از حقوق خود در برابر سوءاستفاده‌ها و نقض‌های احتمالی حفاظت شوند (ریچاردسون، ۲۰۰۵: ۱۲۰).

۳-۵- نقاط اشتراک و افتراق

حمایت از حریم خصوصی، به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی، از دیرباز مورد توجه مکاتب حقوقی مختلف از جمله فقه امامیه و نظام‌های حقوق بشر بین‌المللی بوده است. هرچند زمینه‌های شکل‌گیری، روش‌شناسی استنباط و مبانی معرفت‌شناختی این دو منظومه با یکدیگر تفاوت دارد،

اما می‌توان اشتراکات مفهومی، هنجاری و کاربردی متعددی در این حوزه یافت. در عین حال، وجود افتراق‌هایی در قلمرو، ساختار ضمانت‌اجرا، مبنای الزام‌آور بودن و تفسیر مصادیق نیز قابل‌انکار نیست.

یکی از مهم‌ترین اشتراکات فقه امامیه و نظام حقوق بشر در این زمینه، اذعان به کرامت ذاتی انسان به عنوان پایه اصلی حق بر حریم خصوصی است. در فقه امامیه، اصل حرمت مؤمن و لزوم حفظ حیثیت و آبروی او یکی از ارکان اخلاق اجتماعی و حقوقی است که در بسیاری از متون حدیثی و فقهی بر آن تأکید شده است. روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «حرمة المؤمن أعظم من حرمة الكعبة» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ص ۲۳۴). این اصل، اساس بسیاری از قواعد فقهی ناظر به ممنوعیت تجسس، غیبت، افشای سرّ و نظایر آن است. در حقوق بشر نیز کرامت انسانی مبنای اصلی حقوق و آزادی‌ها از جمله حق بر حریم خصوصی شناخته شده و در ماده نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر به روشنی بر برابری و کرامت انسان‌ها تأکید شده است (یون، ۱۹۴۸: ۳۲).

از منظر مصداقی نیز می‌توان اشتراکاتی میان این دو دیدگاه یافت. ممنوعیت تجسس در زندگی خصوصی دیگران یکی از وجوه اشتراک مهم است. قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره حجرات صراحتاً می‌فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا» و فقها بر اساس این آیه، هر نوع مداخله در زندگی خصوصی دیگران را، حتی به قصد اصلاح، ممنوع دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ص ۳۲۷). در حقوق بشر نیز ممنوعیت تجسس و شنود غیرقانونی از حقوق مسلم افراد به‌شمار می‌رود و در اسناد مختلفی مانند ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تصریح قرار گرفته است (ریچاردسون، ۲۰۰۵: ۱۱۳). اشتراک دیگر مربوط به محرمانگی اسرار خانوادگی و احترام به روابط خصوصی است. در فقه امامیه، نه تنها افشای اسرار خانوادگی حرام و موجب ضمان تلقی شده است، بلکه حتی در صورت وجود ضرر، فرد موظف به سکوت است مگر در موارد استثنایی مانند ضرورت دفع ضرر شدید یا دفاع از نفس (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۲۵۰). در نظام حقوق بشر نیز این حق در قالب ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تضمین شده و دولت‌ها موظف‌اند در برابر نقض آن، ابزارهای جبران مؤثر فراهم آورند (اسمیت، ۲۰۱۰: ۲۴۵).

با این حال، افتراقاتی نیز در دو حوزه قابل شناسایی است که عمدتاً ناشی از تفاوت در مبانی فلسفی و اهداف هر نظام است. یکی از مهم‌ترین افتراقات، تفاوت در خاستگاه و منبع مشروعیت حقوق است. در فقه امامیه، حقوق ناشی از اراده الهی و مبتنی بر نصوص دینی و سیره معصومان (ع) است؛ بنابراین، حریم خصوصی نیز در محدوده اراده تشریعی الهی تعریف می‌شود و در مواردی

ممکن است مصالح فردی در برابر مصالح اجتماعی یا دینی قربانی شود. به‌عنوان نمونه، در فقه، جواز تجسس در مواردی مانند دفع فساد یا کشف جرایم مستوجب حدود با رعایت ضوابط خاص پذیرفته شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۹، ص ۲۴۵)^۷. در مقابل، در نظام حقوق بشر، مبنای حقوق، اراده فردی و قرارداد اجتماعی است و حریم خصوصی به عنوان یک حق بنیادین، حتی در برابر مصلحت عمومی نیز با سخت‌گیری قابل تحدید است (جونز، ۲۰۲۰: ۹۷).

از حیث قلمرو نیز، فقه امامیه نگاه مبتنی بر چارچوب شریعت و محدوده تقنینی دین دارد، در حالی که حقوق بشر نگاه موسع‌تری به مصادیق حریم خصوصی دارد. برای مثال، در فقه، حق بر حریم اطلاعاتی یا داده‌های شخصی به‌صورت اصطلاحی وجود ندارد و مباحثی مانند مالکیت داده، رمزنگاری یا رضایت دیجیتال هنوز در ادبیات فقهی توسعه نیافته‌اند (علیدوست، ۱۴۰۰: ۲۷۰). در حالی که حقوق بشر، به‌ویژه در قالب مقررات عمومی حفاظت داده اتحادیه اروپا، به صورت صریح و نظام‌مند به این حوزه پرداخته و مفاهیمی چون «حق فراموش شدن»، «حق دسترسی»، «حق تصحیح» و «حق محدودسازی پردازش داده» را به رسمیت شناخته است (مارتینز، ۲۰۱۹: ۵۲).

از جهت ساختار الزام‌آور بودن نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. در فقه امامیه، الزامات فقهی از طریق احکام تکلیفی و وضعی اعمال می‌شوند و ضمانت‌اجرای آن بیشتر در حوزه مسئولیت‌های دینی و آخرتی یا در موارد خاص، ضمانت‌های حقوقی و کیفری است. در مقابل، در حقوق بشر، دولت‌ها در قبال تعهدات بین‌المللی خود مسئول هستند و در صورت نقض حق حریم خصوصی، نه تنها موظف به جبران خسارت‌اند بلکه در صورت عضویت در نهادهایی مانند شورای اروپا، ممکن است از سوی دادگاه‌های بین‌المللی محکوم شوند (براون، ۲۰۱۸: ۱۱۰).

از جهت روش‌شناختی نیز، فقه امامیه عمده‌تأ مبتنی بر روش اجتهادی و اصول استنباط است، در حالی که حقوق بشر مبتنی بر رویه‌گرایی، تفسیر سیستمی و عرف بین‌المللی است. این تفاوت سبب شده که در فقه، قضاوت درباره مشروعیت افعال بر پایه قواعد عام چون «لاضرر»، «قاعده سلطه»، «حرمت ایذا» و مانند آن صورت گیرد، اما در حقوق بشر، ارزیابی‌ها بر پایه موازنه حقوق، اصل تناسب و تحلیل قضایی استوار است (ویلسون، ۲۰۱۷: ۳۶۲).

افتراق دیگر به بحث نسبی بودن یا اطلاق حقوق مربوط است. در فقه امامیه، بسیاری از احکام مطلق نیستند و در صورت تراحم با احکام مهم‌تر، ممکن است کنار گذاشته شوند؛ به‌عنوان مثال، اگر حفظ حریم خصوصی با کشف جرمی همچون قتل در تعارض قرار گیرد، می‌توان با رعایت شروطی، به داده‌های شخصی یا مکالمات دسترسی پیدا کرد. در حقوق بشر نیز گرچه اصل بر حمایت مطلق است، اما ماده ۲۹ اعلامیه جهانی و بسیاری از کنوانسیون‌ها محدودیت‌هایی را برای

حمایت از نظم عمومی، امنیت ملی یا اخلاق عمومی قائل شده‌اند (کونراد، ۲۰۱۵: ۱۴۴). ولی رویه بین‌المللی معمولاً این محدودیت‌ها را با سخت‌گیری قابل توجیه می‌داند و بر اصل «ضرورت و تناسب» پای می‌فشارد.

با وجود این افتراقات، امکان تعامل و هم‌افزایی این دو نظام در چارچوب حقوق تطبیقی و فقه‌های نوپدید وجود دارد. به‌ویژه در شرایطی که فناوری‌های نوین مرزهای سنتی حریم خصوصی را از میان برداشته و انواع جدیدی از تهدیدات را ایجاد کرده‌اند، توجه هم‌زمان به اصول ثابت فقهی و الزامات نوین حقوق بشر می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری و توسعه در مباحث فقهی و نیز بومی‌سازی آموزه‌های حقوق بشری گردد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که فقه امامیه و نظام حقوق بشر در اصول بنیادین خود در خصوص ضرورت حفظ حریم خصوصی، حرمت تجسس، لزوم رعایت کرامت انسانی و احترام به زندگی خانوادگی، اشتراکاتی عمیق دارند. با این حال، از حیث روش‌شناسی، قلمرو، ضمانت‌اجرا و مبنای الزام‌آور بودن، تفاوت‌های معناداری میان این دو حوزه وجود دارد که در تحلیل‌های تطبیقی باید مورد توجه قرار گیرد. این تفاوت‌ها نباید به تقابل منجر شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگوی نظری و اصلاح ساختارهای حقوقی موجود برای حمایت مؤثرتر از حریم خصوصی در فضای امروز باشد.

۶- نتیجه‌گیری تطبیقی

مطالعه تطبیقی میان فقه امامیه و نظام حقوق بشر درباره حمایت از حریم خصوصی، به‌ویژه در بستر داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی در فضای قراردادهای خصوصی، بیانگر آن است که علیرغم تفاوت‌های بنیادین در مبانی هستی‌شناختی، روش‌شناسی استنباط و منابع مشروعیت، می‌توان نقاط همگرایی قابل توجهی میان این دو نظام حقوقی شناسایی کرد. فقه امامیه، با تکیه بر مفاهیم اصیل دینی چون کرامت انسان، حرمت مؤمن، اصل منع ایداء، قاعده لاضرر، و قاعده سلطنت، ظرفیت بالایی برای حفاظت از حریم خصوصی دارد، گرچه ادبیات آن عمدتاً ناظر به صورت‌بندی سنتی و غیرالکترونیک این مفاهیم بوده است (امامی، ۱۳۷۵: ۲۴۸). در مقابل، نظام حقوق بشر بین‌المللی، به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، با توسعه مفاهیم مدرن از آزادی‌های فردی، از جمله حق بر خلوت، اطلاعات شخصی و حریم دیجیتال، توانسته چارچوب‌های نهادی و الزام‌آور قابل توجهی را برای صیانت از داده‌های فردی ایجاد نماید (شاو، ۲۰۲۰: ۱۸۲).

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این مقایسه، اشتراک نظری در اصل حرمت تعرض به حریم شخصی افراد است. فقه امامیه با الهام از تعالیم قرآنی و روایات معصومان، هرگونه ورود به حریم

خصوصی دیگران را، بدون مجوز شرعی، حرام دانسته است. بر اساس این رویکرد، افشای اسرار، تجسس، استراق سمع، و حتی نگاه به زندگی خصوصی دیگران، از مصادیق ظلم به مؤمن تلقی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۲۹). این اصل در نظام حقوق بشر نیز به صراحت در اسناد مختلفی چون ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است (هریس، ۲۰۱۸: ۲۱۲). با این حال، فقه امامیه بر بُعد اخلاقی و دینی این حرمت تأکید دارد، در حالی که حقوق بشر بر وجه قانونی، قراردادی و نهادینه آن تکیه می‌زند. از منظر مصداق‌شناسی، در هر دو نظام، حریم خانوادگی جایگاهی ممتاز دارد. در فقه امامیه، تأکید بسیاری بر حفظ اسرار زناشویی و اطلاعات خانوادگی وجود دارد و خروج آن‌ها از محیط امن خانواده، بدون رضایت طرفین، حرام شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۴۹۷). در حقوق بشر نیز، احترام به حریم خانواده یکی از اضلاع مهم حق بر زندگی خصوصی تلقی می‌شود و تخطی از آن، حتی از سوی دولت، جز در موارد استثنایی و با رعایت اصل تناسب، موجه تلقی نمی‌گردد (داگلاس، ۲۰۱۹: ۹۸). بنابراین، اگرچه نوع استدلال متفاوت است، اما نتیجه در هر دو حوزه، همسو با اصل حمایت از بنیان خانواده است.

تفاوت عمده‌ای که در این حوزه قابل ملاحظه است، محدود بودن ادبیات فقهی در حوزه داده‌های شخصی است. فقه امامیه هنوز عمدتاً مبتنی بر الگوی مالکیت سنتی و مفهوم «محرّمات شخصی» است و مفاهیمی نظیر مالکیت داده، کنترل بر داده‌های دیجیتال، یا رضایت آگاهانه کاربر از حیث پردازش اطلاعات، به صورت صریح مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند (غضنفری، ۱۳۹۹: ۳۱۱). البته برخی فقه‌پژوهان معاصر تلاش کرده‌اند با استناد به قواعد فقهی چون قاعده سلطنت و اصل عدم، الگوی فقهی برای حمایت از اطلاعات شخصی ارائه دهند، اما هنوز نظام جامع و نهادینه‌ای در این باره شکل نگرفته است (علیدوست، ۱۴۰۰: ۲۸۹). در مقابل، نظام حقوق بشر با اقتباس از دانش داده‌محور و پیشرفت‌های فناوری اطلاعات، گام‌های بلندی در زمینه حمایت از داده‌های شخصی برداشته و مفاهیمی چون حق فراموشی، حق تصحیح، محدودسازی پردازش و غیره را با ضمانت اجرایی قوی در قالب مقرراتی چون GDPR پیاده‌سازی کرده است (مارکو، ۲۰۲۱: ۱۰۴). از حیث روش اجرایی، نیز تفاوت‌هایی بنیادین میان این دو منظومه قابل شناسایی است. فقه امامیه عمدتاً به صورت تکلیف‌محور و در بستر روابط شخصی-الهی حقوق را تحلیل می‌کند و ضمانت‌اجرای بسیاری از اصول آن نیز اخلاقی و اخروی است. اگرچه در برخی موارد همچون افشای سر یا خیانت در امانت، مجازات‌هایی مانند تعزیر یا ضمان در نظر گرفته شده است، اما این ضمانت‌ها جنبه قضایی منسجمی در سطح داده‌های شخصی نوین ندارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶:

۱۲۹). در حقوق بشر، برعکس، دولت‌ها ملزم‌اند برای تضمین حمایت از حریم خصوصی، سازوکارهای قانونی، نظارتی و قضایی مؤثر پیش‌بینی کنند و در صورت قصور، مسؤولیت بین‌المللی خواهند داشت (تراینداد، ۲۰۱۵: ۷۵).

یکی دیگر از وجوه افتراق، قلمرو مشروع دخالت در حریم خصوصی است. در فقه امامیه، گرچه اصل بر حرمت تعرض است، اما در مواردی مانند کشف جرم، حفظ مصالح عمومی یا دفاع مشروع، اجازه تجسس داده شده است، مشروط بر آن که مجوز شرعی وجود داشته باشد و از حدود معین تجاوز نشود (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۲ق: ۴۵۸). در نظام حقوق بشر نیز، اصل بر منع دخالت است، اما ماده ۸ کنوانسیون اروپایی، دخالت در حریم خصوصی را تنها در صورت وجود «ضرورت در جامعه دموکراتیک» و «منفعت مشروع» مانند امنیت ملی یا نظم عمومی مجاز دانسته است (اسمیت، ۲۰۱۰: ۲۳۴). تفاوت اصلی در میزان و شرایط اعمال این استثناءهاست؛ فقه بر مشروعیت دینی و گاه حتی فقهی-اجتماعی تأکید دارد، در حالی که حقوق بشر به فرآیند موازنه منافع و تفسیر قضایی تکیه می‌نماید.

با این‌همه، در بُعد عملی و زمینه‌های مشترک، می‌توان نقاط تلاقی کارکردی میان این دو دیدگاه فراهم آورد. به‌ویژه در فضای قراردادهای خصوصی، که حقوق اطلاعاتی افراد می‌تواند توسط شرکت‌ها، کارفرمایان یا طرف دیگر قرارداد مورد تعرض قرار گیرد، هم فقه و هم حقوق بشر بر اصل رضایت، آگاهی و محدودسازی پردازش اطلاعات تأکید دارند. در فقه، رضایت در تصرف در مال، عرض و حیثیت دیگران، شرط صحت است و بدون آن، فعل نامشروع خواهد بود (شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۳۶۴). در حقوق بشر نیز، رضایت صریح، آزادانه و آگاهانه یکی از ارکان پردازش مشروع داده‌های شخصی شناخته می‌شود (OECD: ۲۰۱۹، ۷۸).

نکته دیگر آن که با توجه به تحولات گسترده در فضای دیجیتال، می‌توان از اصول و قواعد کلی فقهی برای بسط نظریات جدید در باب داده‌های شخصی استفاده کرد. اصولی چون «حرمة مال المسلم کحرمة دمه»، «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام»، یا «الناس مسلطون علی اموالهم» ظرفیت بالایی دارند که در قالب اجتهاد مصلحت‌محور و مبتنی بر واقعیت‌های روز، به حقوق اطلاعاتی افراد بسط یابند (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰ق: ۳۵۹). همچنین، از جهت اخلاقی نیز فقه امامیه می‌تواند پشتوانه ارزشی و هنجاری برای تقویت فرهنگ رعایت حریم خصوصی در جوامع اسلامی فراهم آورد، امری که در بسیاری از کشورها، حتی با وجود قانون، هنوز در سطح فرهنگ عمومی نهادینه نشده است (سروش محلاتی، ۱۳۹۷: ۲۴۴).

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که مسیر تقارب فقه امامیه و نظام حقوق بشر در زمینه حمایت از حریم خصوصی، به‌ویژه در بستر روابط قراردادی و اطلاعات شخصی، گرچه با چالش‌هایی همراه است، اما با اتخاذ رویکرد تطبیقی، گفتمان محور و فقه اجتماعی، می‌توان زمینه هم‌افزایی و تحول نظری و کاربردی هر دو منظومه را فراهم ساخت. این مهم، مستلزم بازخوانی منابع فقهی با رویکرد کارکردگرایانه و همچنین تعامل فعال با نظام‌های حقوقی بین‌المللی، با حفظ اصول و مبانی دینی، خواهد بود. تنها در این صورت است که می‌توان از ظرفیت‌های درون‌زا و برون‌زای حقوق برای تحقق هرچه بیشتر عدالت اطلاعاتی و صیانت از کرامت انسانی بهره جست.

نتیجه‌گیری

مفهوم حریم خصوصی به‌عنوان یکی از بنیادین‌ترین حقوق انسانی، جایگاهی محوری در هر دو نظام فقه امامیه و حقوق بشر دارد، هرچند نحوه تبیین، مصادیق و ابزارهای حمایتی آن متفاوت است. فقه امامیه با تکیه بر اصولی چون حرمت تجسس، قاعده لاضرر، لزوم حفظ اسرار مؤمن و رعایت حرمت اشخاص، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای حمایت از داده‌های شخصی و اسرار خانوادگی در بستر قراردادهای خصوصی دارد. هرچند ادبیات فقهی سنتی فاقد اصطلاحات نوین داده‌محور است، اما بنیان‌های اخلاقی و شرعی آن، قابلیت انطباق و توسعه‌یافتگی برای مواجهه با چالش‌های نوپدید را دارا می‌باشد.

در مقابل، نظام بین‌المللی حقوق بشر، به‌ویژه از اواسط قرن بیستم، حمایت از حریم خصوصی را به‌عنوان یکی از حقوق غیرقابل سلب در برابر دولت‌ها و اشخاص ثالث تثبیت کرده و اسناد بین‌المللی، به‌ویژه میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون‌های منطقه‌ای و مقرراتی چون GDPR، چارچوب‌هایی نسبتاً دقیق برای حفاظت از اطلاعات شخصی در تعاملات خصوصی و عمومی ترسیم کرده‌اند.

نقطه مشترک هر دو رویکرد، تأکید بر کرامت انسانی، حرمت اطلاعات خصوصی و ضرورت محدودسازی افشای غیرمجاز اسرار خانوادگی است؛ اما تفاوت‌ها عمدتاً در زبان، منابع و شیوه‌های اجرایی نمود می‌یابند. فقه امامیه با رویکردی هنجاری و اخلاق‌محور، بیشتر بر مسئولیت فردی و حرمت شرعی افشاء تکیه دارد؛ در حالی که نظام حقوق بشر با ابزارهای حقوقی و نهادهای نظارتی، به دنبال اعمال ضمانت اجرای عینی‌تر است.

در مجموع، می‌توان گفت بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت‌های فقهی و الزامات حقوق بشری در راستای حمایت از حریم خصوصی، به‌ویژه در حوزه حساس قراردادهای خصوصی، می‌تواند موجب

تعمیق حمایت‌های قانونی و افزایش کارآمدی نظام‌های حقوقی شود. این همگرایی نه تنها امکان تطبیق شریعت با تحولات جهانی را فراهم می‌آورد، بلکه زمینه‌ساز تقویت کرامت انسانی در ساختارهای حقوقی جوامع اسلامی نیز خواهد بود.

منابع

انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ق). المکاسب. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۰ق). جامع المسائل. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
فاضلی، علی محمد (۱۳۹۸). «حق بر حریم خصوصی در فقه امامیه»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۵، ش ۲.
حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی. تهران:

دارالعلم.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. قم: دارالکتب الإسلامیه.
امامی، سیدحسن (۱۳۹۳). حقوق مدنی، ج ۱. تهران: انتشارات اسلامی.
خوانساری، سیداحمد (۱۴۲۰ق). جامع المدارک. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵). کتاب پنجم: تعزیرات. تهران: انتشارات قوه قضائیه.
قربانی، لایلا (۱۳۹۸). «تحلیل فقهی-حقوقی افشای اسرار در فضای مجازی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۶، ش ۳.
قاسم‌زاده، حسن (۱۴۰۰). حقوق داده‌های شخصی. تهران: نشر میزان.
شهیدی، مهدی (۱۳۹۵). درایتی در حقوق تعهدات. تهران: مجد.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). تفسیر نمونه، ج ۱۵. قم: دارالکتب الإسلامیه.
یون، سازمان ملل متحد (۱۳۲۷). اعلامیه جهانی حقوق بشر.
ریچاردسون، مایکل (۱۳۸۴). حریم خصوصی و حقوق بشر: چشم‌اندازهای تطبیقی. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
اسمیت، رودریک (۱۳۸۹). حقوق بشر بین‌الملل: کتاب درسی. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
مارتینز، خوزه (۱۳۹۸). مقررات عمومی حفاظت داده در اتحادیه اروپا (GDPR). برلین: اشپرینگر.

براون، لیندا (۱۳۹۷). سازمان ملل و حقوق حفاظت از داده‌ها. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
جونز، کاترین (۱۳۹۹). حریم دیجیتال و حقوق بشر در قرن ۲۱. لندن: راتلج.
کونراد، هانس (۱۳۹۴). قوانین نمونه سازمان ملل در خصوص حفاظت از داده‌ها. نیویورک: انتشارات رسمی سازمان ملل.

ویلسون، جان (۱۳۹۶). مبانی نظری حقوق بشر. آکسفورد: انتشارات هارت.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۸.
موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۴). القواعد الفقهیه. قم: انتشارات مجد، ج ۳.
شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: مؤسسه المرتضی، ج ۹.

علیدوست، سید علی (۱۴۰۰). «مالکیت داده‌های شخصی در فقه امامیه»، فصلنامه حکومت اسلامی، ۲۷(۳).

امامی، سید حسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی، جلد اول. تهران: انتشارات اسلامی.
شاو، مالکوم (۲۰۲۰). حقوق بین‌الملل عمومی. ترجمه دکتر حسن رشیدزاده، تهران: سمت.
هریس، دیوید (۲۰۱۸). حقوق بشر در نظام اروپایی. ترجمه محمدرضا زمانی، تهران: میزان.
داگلاس، مایکل (۲۰۱۹). حقوق بشر و خانواده در نظام اروپایی. لندن: انتشارات راتلج.
غضنفری، فاطمه (۱۳۹۹). «مالکیت داده‌های شخصی در فقه اسلامی». فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، ۲۱(۳).

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت. تهران: گنج دانش.
تراینداد، آنتونیو (۲۰۱۵). مسئولیت دولت‌ها در نقض حقوق بشر. لاهه: انتشارات T.M.C Asser.
موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۰۲ق). مبانی فقهی حدود. قم: انتشارات الهادی، ج ۴.
شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقیة و شرح آن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.

سروش محلاتی، رسول (۱۳۹۷). «نقش فقه در تنظیم روابط عمومی نوین»، دو فصلنامه فقه نظام، ۲(۶).

EU. (2016). *General Data Protection Regulation (GDPR)*.

Nowak, M. (2005). *UN Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*, 2nd ed., Kehl: N.P. Engel.

UNHRC. (1988). *General Comment No. 16: Article 17 (Right to Privacy)*, Human Rights Committee.

- United Nations. (1948). *Universal Declaration of Human Rights*. New York: United Nations.
- Richardson, J. (2005). *Privacy and Surveillance in the Age of Security*. Cambridge University Press.
- Smith, R. (2010). *Textbook on International Human Rights*. Oxford University Press.
- Jones, T. (2020). *Human Rights Law and Practice*. London: Sweet & Maxwell.
- Martínez, S. (2019). *The GDPR and Data Protection in the EU*. Springer.
- Brown, C. (2018). *Accountability for Human Rights Violations by International Organizations*. Oxford University Press.
- Wilson, R. (2017). *International Law and the Right to Privacy*. London: Routledge.
- Conrad, E. (2015). *Human Rights and Their Limitations in International Law*. The Hague: T.M.C. Asser Press.
- OECD. (2019). *Principles on the Protection of Privacy and Transborder Flows of Personal Data*. Paris: OECD Publishing.
- Douglas, M. (2019). *Privacy Law and the Family*. London: Routledge.